

چه نمونه‌های موفق از کشورهای دیگر را در زمینه تصدیق میراث فرهنگی با تغییرات اجتماعی و زیست محیطی می‌شود آنها را در ایران هم پیاده‌سازی کرد؟

به باور من تغییر یک پدیده ناگزیر در تاریخ جوامع است، یعنی مرتباً تغییرات اجتماعی و تغییرات زیست محیطی در حال وقوع است. بنابراین بحث بر سر مدیریت تغییر در جهان است که هر روز این مدیریت تغییر کار پیچیده‌تری می‌شود به این دلیل که تکنولوژی مرتباً به صورت یک ابزار تهاجمی وارد موضوع نگهداشت اندوخته‌های تاریخی میشود. در این میان کشورهایی هستند که توانسته‌اند این تغییرات را مدیریت کنند. به عنوان مثال کشورهای اروپایی یا کشورهای اروپای غربی این کار را بهتر از کل اروپا انجام می‌دهند. شما وقتی که به کشوری مانند ایتالیا یا جنوب پرتغال بروید، خواهید دید که شهرهای خود را چگونه مانند صد سال، ۲۰۰ سال، یا ۴۰۰ سال قبل نگه داشته و مراقبت کرده‌اند، چرا که خود را تغییر داده و فرهنگ مراقبت از آثار و بناهای تاریخی را آموزش دیده و در خود تقویت کرده‌اند.

مشکل فعلی موجود در کشور ما این است که ما جهانی شدن را با تغییر شرایط زیست یکی فرض کردیم و تخریب آثار گذشته رو یک نوع جهانی شدن فرض کردیم که به نظر من این به چالش جهانی است و ما هم باید بتوانیم خود را در موقعیت جدید تحولات اجتماعی و اقتصادی جهانی تعریف کنیم. البته من اصلاً خودمان رو ناموفق نمی‌بینم و با توجه به حجمه زیادی که برای تخریب وجود داشته، حفاظت گران تاریخ ایران را نسبت به حجمه‌های که وجود داشته بسیار موفق دیده و ارزیابی می‌کنم.

نقش میراث فرهنگی در کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت حس تعلق به جامعه در دوران تحولات سریع را چگونه دیده و ارزیابی می‌کنید؟

عرض کنم که مهمترینش در مورد کشورهایی مثل ما این هست که از تجربیات زیست گذشته در سرزمینمان بتوانیم استفاده کنیم چرا که این تجربیات زیستی ارزشمند هستند، چرا که تغییرات اقلیمی برای اولین بار نیست که در تاریخ سیاره زمین اتفاق افتاده است. در گذشته

نیز سیل و طوفان و خشکسالی و ترسالی بوده است اما به درستی توسط جوامع کهن مدیریت شده است و این روزها نباید آن تجربیات نادیده گرفته شود.

پس یکی از راهکارها اتکا به تجربیات گذشته و دیگری این هست که ما باید آگاهانه از تبعات منفی جهانی شدن پرهیز کنیم. جهانی شدن نباید هم‌معنای از دست دادن هویت ملی باشد. این توصیه‌ای هست که هر روز باید ما به خودمان متذکر شویم و دیگر اینکه پایداری اجتماعی تنها با تکیه بر هویت ملی محقق می‌شود، بدون هویت ملی پایداری اجتماعی وجود نخواهد داشت. این شهرهای جدید را ببینید که هیچ‌کس آدرس خود را در این شهرها نمی‌دهد. در حالی که در شهرهای قدیمی می‌بینید که بازار دارند، گورستان دارند و به نوعی در محل و در موقعیت تثبیت شده و تعلق بین محلی در میان آنها اتفاق افتاده است که همین تعلق بین نسلی، پایداری اجتماعی ایجاد می‌کند. بنابراین اگر پایداری اجتماعی می‌خواهیم به ناگزیر باید به هویت ملی خود ارجاع کنیم.

